

توافق نامه همکاری ۲۵ ساله ایران و چین

بخش دوم: عملکرد سرمایه‌گذاری خارجی چین

دسامبر ۲۰۲۰

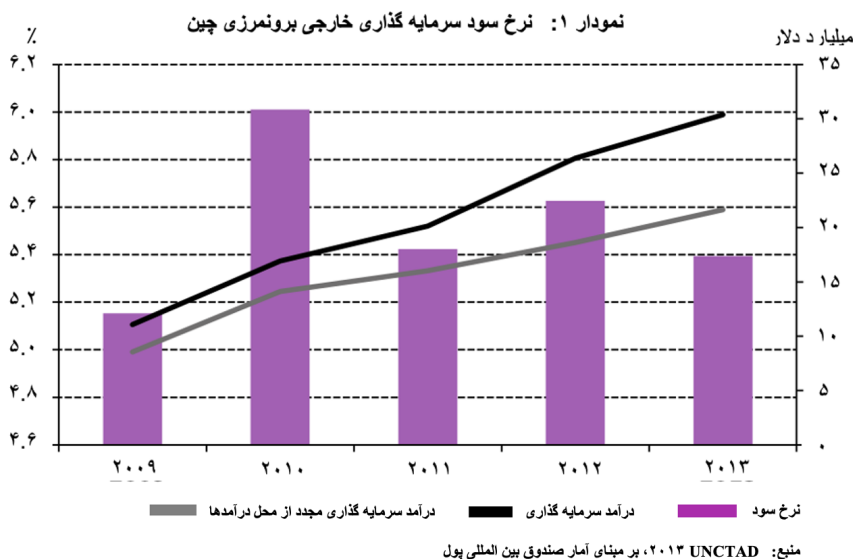
www.hadizamani.com

۱. مقدمه

طی دو دهه گذشته سرمایه‌گذاری خارجی برون مرزی^۱ چین با سرعت خیره‌ای کننده‌ای افزایش یافته است. بیشتر شرکت‌های چینی که اقدام به سرمایه‌گذاری مستقیم در خارج از چین میکنند، موسسات بسیار بزرگ دولتی هستند. در سالهای اخیر سهم بخش خصوصی در سرمایه‌گذاری خارجی برون مرزی چین بیشتر شده است، اما این شرکتها نیز به اشکال مختلف به دولت چین مرتبط و متکی هستند. این رشد سریع همراه با نقش محوری دولت چین در این سرمایه‌گذاری‌ها نگرانی‌ها و حساسیت‌های زیادی را برانگیخته است. در کشورهای غربی، به ویژه ایالات متحده آمریکا، نادیده گرفتن حق مالکیت فکری توسط شرکت‌های چینی، امکان سرقت دانش و فناوری شرکت‌های غربی، رقابت ناعادلانه ناشی از حمایت‌های مالی دولت چین و دسترسی یافتن شرکت‌های چینی به اطلاعات و صنایع استراتژیک کشورهای غربی محورهای اصلی این نگرانی‌ها هستند. در کشورهای در حال رشد و کم توسعه یافته نگرانی‌ها حول دشواری نظارت بر عملکرد سرمایه‌گذاری خارجی چین و مسائلی مانند توجیه اقتصادی پروژه‌ها، عادلانه بودن قراردادهای و وام‌های دریافتی، دریافت حق مالکیت و مالیات از سرمایه گذاران چینی، ملزم کردن آنها به بهره برداری از نیروی کار و تولیدات بومی، انتقال تکنولوژی و حفاظت از محیط زیست کشورهای میزبان متمرکز است. این نوشته با بررسی اهداف و عملکرد سرمایه‌گذاری خارجی برون مرزی چین به ارزیابی این نگرانی‌ها می‌پردازد.

۲. محرک‌ها و اهداف سرمایه‌گذاری خارجی برون مرزی چین

سرمایه‌گذاری خارجی برون مرزی چین، مانند کشورهای غربی، در درجه نخست به دنبال کسب سود است. البته، سرمایه‌گذاری خارجی برون مرزی چین بخشی از استراتژی سیاست خارجی چین است و چین از آن برای پیشبرد اهداف خود در عرصه سیاست خارجی استفاده میکند، تا آنجا که در مواردی ملاحظات استراتژیک و سیاسی می‌تواند عامل کسب سود را تحت الشعاع قرار دهد. با این همه، در چین مانند سایر کشورها، کسب سود حرف اول را در برنامه سرمایه‌گذاری خارجی برون مرزی چین می‌زند. بررسی‌های آماری نشان میدهد که بین سطح سرمایه‌گذاری خارجی برون مرزی چین و نرخ سود یک همبستگی مثبت و بسیار قوی وجود دارد (نمودار ۱ را ملاحظه کنید).

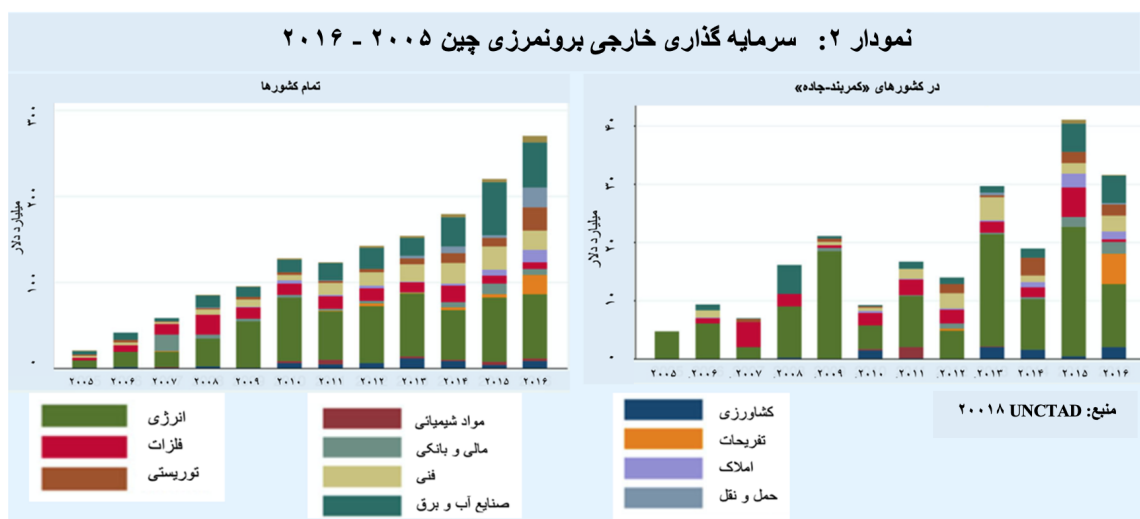


۱ منظور از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برون مرزی «Outward Foreign Direct Investment» است. در این نوشته منظور از سرمایه‌گذاری خارجی همان «سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برون مرزی» است. به این ترتیب «Inward Foreign Direct Investment» سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برون مرزی خواهد بود.

علاوه بر کسب سود، تئوری‌های اقتصادی برای سرمایه‌گذاری خارجی چندین محرک یا انگیزه دیگر می‌شناسند که مهمترین آنها عبارتند از:

۱. دسترسی به بازارهای جدید: رشد اقتصادی به مرور زمان موجب اشباع بازارهای داخلی میشود. این امر شرکتها را بسوی سرمایه‌گذاری خارجی سوق می‌دهد تا از این طریق برای ادامه رشد خود فرصت‌های جدیدی بوجود بیاورند.
۲. دور زدن موانع صادرات: هزینه بالای حمل و نقل و تعرفه‌هایی که دولتها بر واردات می‌بندند عملاً به صورت مانعی در برابر صادرات عمل میکند. سرمایه‌گذاری خارجی به شرکتها اجازه میدهد تا این موانع را دور بزنند و محصولات خود را نزدیک به بازار نهایی و پشت دیوارهای تعرفه‌ای تولید و عرضه کنند.
۳. انرژی و مواد اولیه: برای کشورهایی که خود دارای ذخایر غنی انرژی و مواد اولیه مانند نفت، گاز و مواد معدنی نمی‌باشند، دسترسی به این منابع یکی از اهداف اصلی سیاست سرمایه‌گذاری برونمرزی آنها میباشد.
۴. بهبود کارایی: سرمایه‌گذاری خارجی برون مرزی با بزرگ کردن بازار فعالیت به شرکتها اجازه میدهد تا توانایی خود را بر روی جنبه‌هایی متمرکز کنند که در آنها دارای بیشترین مزیت و تخصص هستند. این امر سطح تخصص و کارایی آنها را بالا میبرد.

عملکرد سرمایه‌گذاری خارجی برون مرزی چین، در مجموع منطبق با الگوی نظری بالا است. بررسی‌های آماری نشان میدهند که بین سطح سرمایه‌گذاری خارجی برون مرزی چین و متغیرهای بزرگی بازار کشور میزبان، سطح درآمد سرانه در کشور میزبان، ارزش صادرات چین به کشور میزبان، سطح و کیفیت ذخایر منابع طبیعی کشور میزبان مانند نفت، گاز و مواد کانی، رابطه‌ای مثبت و قوی وجود دارد، بطوریکه ضریب همبستگی سرمایه‌گذاری خارجی برون مرزی چین با هر یک از این عوامل مثبت و نزدیک به ۱ میباشد. همانطور که نمودار ۲ نشان میدهد، انگیزه دسترسی به منابع انرژی نقش بسیار چشمگیری در الگوی سرمایه‌گذاری خارجی برون مرزی چین ایفا می‌کند، به ویژه در کشورهای «کمربند-جاده» و کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته، بطوریکه در برخی از سالها سهم انرژی در سرمایه‌گذاری خارجی برون مرزی چین بیشتر از ۷۰ درصد میباشد. البته، تمایل سرمایه‌گذاری خارجی به بخش‌های نفت و گاز خاص چین نیست. این تمایل را در سرمایه‌گذاری خارجی کشورهای غربی، البته به نسبتی ملایم‌تر، نیز میتوان مشاهده کرد. افزون بر این، باید توجه داشت که در چند سال اخیر الگوی سرمایه‌گذاری خارجی برون مرزی چین متنوع‌تر شده است و سهم انرژی در آن کاهش یافته است.



علاوه بر انگیزه‌های بالا، سه مسئله دیگر موسسات اقتصادی چین را به سرمایه‌گذاری خارجی برونمرزی ترغیب میکنند. نخست، طی چند دهه گذشته میزان صادرات چین بسیار بیشتر از واردات آن بوده است. این امر موجب پیدایش یک مازاد بزرگ و پایدار در تراز پرداختهای جاری چین و انباشت ذخایر ارزی آن شده است، بطوریکه در آستانه ۲۰۲۰ ذخایر ارزی چین از مرز ۳.۱ تریلیون دلار گذشت. سرمایه‌گذاری خارجی برون مرزی به چین اجازه میدهد تا این عدم تعادل را کنترل و حفظ کند.

دوم، سطح پس انداز در اقتصاد چین بسیار بالا است و نرخ رشد سریع و مستمر موجب شده است تا فرصت‌های سرمایه‌گذاری داخلی با سرعت رو به کاهش رود. در چنین شرایطی، صاحبان سرمایه برای کسب سود بالاتر به

سرمایه‌گذاری برون مرزی روی می‌آورند. سوم، در چین شرکت‌های داخلی مضافاً تا ۳۳ درصد سود خود را بصورت مالیات بر سود به دولت چین بپردازند، درحالی‌که شرکت‌های خارجی یا از پرداخت مالیات معاف‌اند و یا نرخ مالیات بر سود آنها بسیار کمتر از شرکت‌های داخلی است. برای فرار از پرداخت این مالیات‌های بالا، برخی از شرکت‌های چینی سرمایه خود را به خارج، به ویژه هنگ کنگ و بهشت‌های مالیاتی منتقل می‌کنند و سپس به عنوان یک شرکت خارجی به چین باز می‌گردند و مشغول به تولید و فعالیت می‌شوند. چهارم، به منظور حمایت از صنایع داخلی، بسیاری از کشورها سیاست‌هایی را تدوین کرده‌اند تا مانع از آن شوند که چین کالا‌های نامرغوب خود را به قیمت‌هایی بسیار ارزان به بازارهای آنها سرازیر و غالب کند (anti dumping policies). سرمایه‌گذاری خارجی به چین اجازه می‌دهد تا این موانع را دور بزند و محصولات خود را پشت این موانع تولید کند.

البته، چند ویژگی الگوی سرمایه‌گذاری خارجی برون مرزی چین را از الگوی سرمایه‌گذاری خارجی بقیه کشورها، به ویژه کشورهای غربی متفاوت می‌کند. نخست، نقش پررنگ دولت در سرمایه‌گذاری خارجی برون مرزی چین است. برای مثال، در سال ۲۰۱۱ متجاوز از ۷۹ درصد سرمایه‌گذاری‌های خارجی چین متعلق به موسسات دولتی چین بود. دوم، این شرکتها به اشکال مختلف از حمایت‌ها و پشتیبانی‌های مالی و لجستیک دولت چین بهره می‌برند. حتی موسسات خصوصی چین که در خارج از چین سرمایه‌گذاری می‌کنند نیز از این پشتیبانی‌ها برخوردارند. سوم، استراتژی سرمایه‌گذاری خارجی برون مرزی چین شدیداً به استراتژی توسعه اقتصادی دولت چین وابسته است. البته این خاص چین نیست، اما در مورد چین این وابستگی بسیار شدیدتر است. چهارم، چین به سرمایه‌گذاری در کشورهایی که دارای جمعیت چینی تبار هستند و یا با چین دارای پیوندهای فرهنگی و تاریخی می‌باشد، تمایل شدیدی دارد و از عامل جمعیت چینی تبار و تجانس‌های فرهنگی در کشور میزبان بیشترین استفاده ممکن را می‌کند.

عامل پنجم، که بیشتر مورد توجه قرار گرفته است، بی‌توجهی نسبتاً بیشتر سرمایه‌گذاران خارجی چینی نسبت به شرایط محیط کسب و کار در کشور میزبان است. سرمایه‌گذاران کشورهای غربی معمولاً به شرایط محیط کسب و کار بیشتر حساس‌اند و وجود حداقلی از استانداردها را برای تامین امنیت سرمایه‌گذاری‌شان ضروری میدانند. این درجه حساسیت را در سرمایه‌گذاران چینی کمتر می‌توان مشاهده کرد. سرمایه‌گذاران دولتی چین همینکه دولت کشور میزبان به حد لازم از ثبات سیاسی برخوردار باشد تا بتواند امنیت سرمایه‌گذاری‌شان را تامین کند برایشان کافی است و به شرایط محیط کسب و کار کمتر توجه دارند. در واقع سرمایه‌گذاران دولتی چین به کشورهایی که در آنها حکومت قانون قوی نیست، محیط کسب و کار ناسالم و ناکارآمد است، اما دارای منابع طبیعی سرشار و دولت‌های اقتدارگرا می‌باشد، بیشتر از سرمایه‌گذاران غربی جلب می‌شوند.

۳. تاثیر سرمایه‌گذاری خارجی چین بر کشورهای میزبان

مدافعین سرمایه‌گذاری خارجی برآنند که سرمایه‌گذاری خارجی با ایجاد زیرساخت‌های سخت، مانند شبکه‌های حمل و نقل، ارتباطات، آبرسانی و تولید و توزیع برق و زیرساخت‌های نرم مانند شبکه‌های مالی و حقوقی به توسعه اقتصادی کشور میزبان کمک می‌کند. مدافعین همچنین خاطرنشان می‌کنند که سرمایه‌گذاری خارجی به منظور تامین برخی از نیازمندی‌هایش از بازار داخلی کشور میزبان و استفاده از امکانات کشور میزبان برای فروش محصولات و ارائه خدمات پس از فروش، می‌تواند موجب پیدایش صنایع و موسسات جدیدی در کشور میزبان شود (backward and forward spillovers or linkages). افزون بر این، فناوری و کارایی بالاتر سرمایه‌گذاری خارجی و مدیریت و شرایط کار بهتر آنها به تدریج به بخشهای داخلی سرایت می‌کند و موجب بهبود شرایط آنها می‌شود.

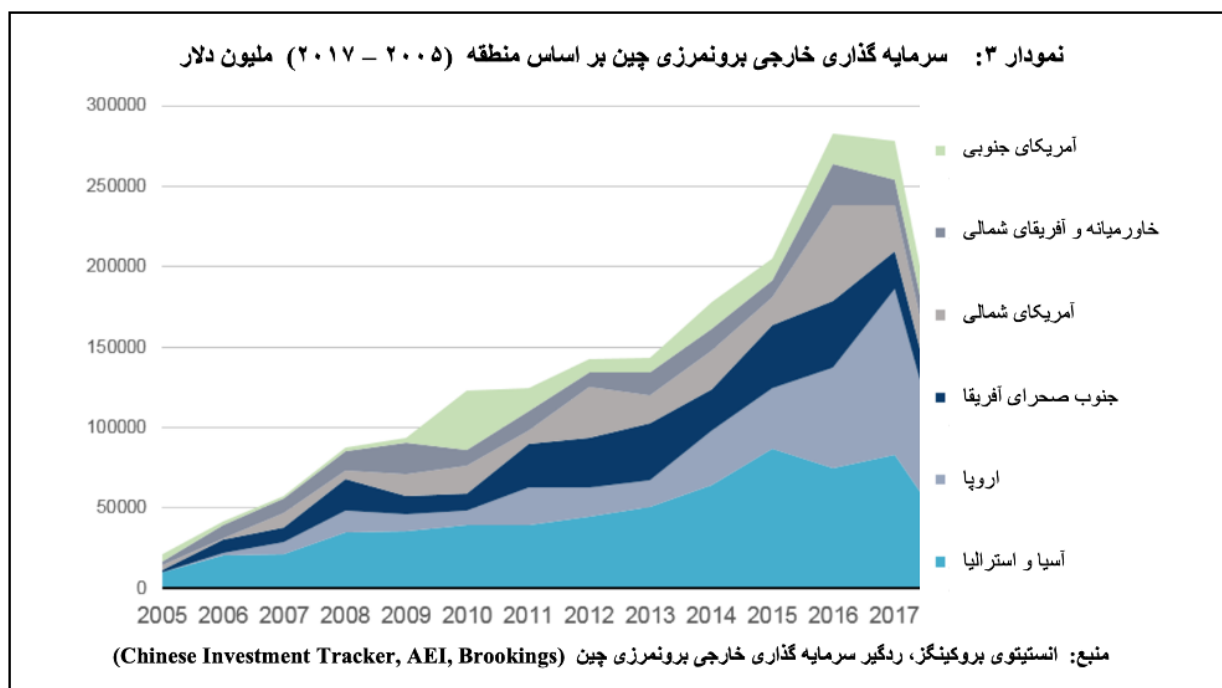
از سوی دیگر، منتقدین سرمایه‌گذاری خارجی خاطرنشان می‌کنند که سرمایه‌گذاری خارجی غالباً با قید و بندهای سیاسی و تجاری زیادی همراه است که استقلال سیاسی و اقتصادی کشورهای میزبان را تضعیف می‌کند، موجب تضعیف تولید کنندگان داخلی می‌شود و به تدریج آنها را از عرصه رقابت خارج می‌کند (crowding out effect). واقعیت آن است که تاثیر نهایی سرمایه‌گذاری خارجی به میزان زیادی به شرایط سیاسی و اقتصادی کشور میزبان و سیاست‌هایی که دنبال می‌کنند بستگی دارد. بی‌شک مواردی می‌توان یافت که نظر مخالفان را تایید می‌کند. اما شواهد موجود حاکی از آن است که دست کم در چند دهه اخیر، سرمایه‌گذاری خارجی در مجموع نقش مثبت و قابل توجهی در توسعه اقتصادی کشورهای میزبان ایفا کرده است.

بررسی‌های بانک جهانی حاکی از آن است که سرمایه‌گذاری خارجی برون‌مرزی علاوه بر ایجاد اشتغال، بهبود دسترسی به منابع مالی و تسریع رشد اقتصادی کشور میزبان، به بهبود کارآمدی نهادهای حقوقی، مالی، نظارتی و اداری، تقویت حکومت قانون و ثبات سیاسی کشور میزبان نیز کمک می‌کند. برای مثال، بانک جهانی پیش‌بینی می‌کند که سرمایه‌گذاری چین در شبکه حمل و نقل کشورهای «کمربند-جاده» علاوه بر تسهیل و تقویت جریان مبادلات تجاری این کشورها با چین، نرخ رشد اقتصادی کشورهای این منطقه را نیز حدود دو دهم درصد در سال افزایش خواهد داد.

همانطور که در پیش گفته شد، سرمایه‌گذاری خارجی برون مرزی چین در مناطق مختلف، بسته به شرایط اقتصادی، سیاسی و جغرافیایی آنها اهداف متفاوتی را دنبال می‌کند. همچنین، نوع و شدت تاثیر سرمایه‌گذاری خارجی چین بر کشور میزبان به میزان قابل توجهی به شرایط اقتصادی و سیاسی کشور میزبان، بزرگی بازار و منابع طبیعی آن، سیاست‌های اقتصادی آن و

محیط کسب و کار آن بستگی دارد. لذا، برای بررسی تاثیر سرمایه‌گذاری چین بر کشورهای میزبان می‌بایست به توزیع جغرافیایی آن توجه داشت.

نمودار ۳ توزیع جغرافیایی سرمایه‌گذاری خارجی برون مرزی چین را نشان می‌دهد. پنج مقصد عمده سرمایه‌گذاری خارجی چین به ترتیب اهمیت عبارتند از آسیا و استرالیا (به ویژه، انجمن کشورهای جنوب شرقی آسیا (ASEAN) که شامل برونئی، کامبوج، اندونزی، لائوس، مالزی، میانمار، فیلیپین، سنگاپور، تایلند، و ویتنام میشود)، اروپا (به ویژه اتحادیه اروپا)، جنوب صحرای آفریقا (آفریقا به استثنای آفریقای شمالی)، آمریکای شمالی (به ویژه ایالات متحده آمریکا)، خاورمیانه و آفریقای شمالی و آمریکای جنوبی.



اتحادیه اروپا و آمریکا

در اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا سرمایه‌گذاری خارجی برون مرزی چین، علاوه بر کسب بازار، بطور فزاینده‌ای هدف دسترسی به فن‌آوری پیشرفته و دارایی‌های استراتژیک را دنبال میکند. از ۲۰۱۰ به این سو، دولت چین به نحوی سیستماتیک موسسات دولتی و خصوصی خود را تشویق میکند تا در عرصه سرمایه‌گذاری خارجی هم خود را بر روی اکتساب و ادغام با شرکت‌هایی متمرکز کنند که در بالاترین حلقه فناوری، مدیریت و تولید ارزش افزوده قرار دارند. تاثیر این استراتژی را میتوان در نمودارهای ۴ و ۵ مشاهده کرد. نخست، سرمایه‌گذاری خارجی چین در آمریکا و اتحادیه اروپا عمدتاً از طریق خرید شرکتهای موجود که آینده‌ای روشن دارند و یا ادغام با آنها «merger and acquisition» انجام می‌گیرد. دوم، ترکیب بخشی سرمایه‌گذاری خارجی چین در اروپا و آمریکا به شدت بسوی بخشهای استراتژیک، به ویژه تکنولوژی مخابرات، رسانه‌ها و ارتباطات جمعی پیشرفته در حال تغییر است.

در واقع سهم چین در کل ذخایر سرمایه‌گذاری خارجی در اتحادیه اروپا و آمریکا نسبتاً ناچیز است. در اتحادیه اروپا تنها ۱ درصد کل سرمایه‌گذاری‌های خارجی متعلق به چین است. این رقم در ایالات متحده آمریکا نزدیک به ۱.۶ درصد است (نمودار ۵ را ملاحظه کنید). اما رشد بسیار سریع سرمایه‌گذاری خارجی برون مرزی چین، سلطه شدید دولت چین بر این سرمایه‌گذاری‌ها، تمرکز اخیر بر روی دارایی‌های استراتژیک و برخورداری این سرمایه‌گذاری‌ها از پشتیبانی‌های مالی و لجستیک دولت چین، موجب نگرانی شدید آمریکا و اروپا گشته و به شدت حساسیت آنها را برانگیخته است. نادیده گرفتن حق مالکیت فکری و سرقت دانش و فناوری شرکتهای غربی، رقابت ناعادلانه ناشی از حمایت‌های مالی چین، و دسترسی یافتن به اطلاعات و صنایع استراتژیک محورهای اصلی این نگرانی‌ها و حساسیت‌ها هستند.

آفریقا

چین در عرصه سرمایه‌گذاری خارجی نسبتاً تازه وارد است و سهم آن در کل موجودی (stock) سرمایه‌گذاری خارجی در آفریقا نسبتاً رقم کوچکی است. بخش بزرگ بازار سرمایه‌گذاری آفریقا همچنان در دست کشورهای غربی است. برای مثال، در سال ۲۰۱۲ سهم چین در کل موجودی سرمایه‌گذاری خارجی آفریقا نزدیک به ۳ درصد بود. اما ارزش سالانه

سرمایه‌گذاری چین در آفریقا به سرعت در حال افزایش است. در سال ۲۰۰۳ سرمایه‌گذاری خارجی چین در آفریقا تنها ۴۹۱ میلیون دلار بود. این رقم در سال ۲۰۰۷ به ۴.۴ میلیارد دلار افزایش یافت. در سال ۲۰۱۱ ارزش سرمایه‌گذاری سالانه چین در آفریقا هنوز از ایالات متحده آمریکا، بریتانیا و فرانسه کمتر بود. اما در سال ۲۰۱۶ سرمایه‌گذاری سالانه چین در آفریقا نزدیک ۲.۵ برابر افزایش یافت، در صورتیکه سرمایه‌گذاری ایالات متحده آمریکا، بریتانیا و فرانسه تغییر چشمگیری نداشت (نمودار ۶ را ملاحظه کنید). گرچه سرمایه‌گذاری خارجی چین در آفریقا به سرعت در حال افزایش است، اما از آنجا که نقطه آغازین آن بسیار پایین بود، مدت قابل توجهی طول خواهد کشید تا به لحاظ ارزش کل ذخایر سرمایه‌گذاری، چین بتواند بطور کامل از کشورهای غربی پیشی بگیرد.

افزون بر این، برخلاف تصور متداول، همانطور که در نمودار ۶ میتوان مشاهده کرد، سرمایه‌گذاری چین در آفریقا نسبتاً متنوع است و تنها بر بخش معادن متمرکز نیست. در واقع، طی دهه گذشته سرمایه‌گذاری چین در آفریقا به نحو چشمگیری متنوع تر شده است بطوریکه اکنون بخش‌های تولیدات صنعتی، مالی و خدمات از سهم قابل توجهی برخوردار هستند.

در مجموع، الگو، انگیزه‌ها، محرک‌ها و عملکرد سرمایه‌گذاری چین در آفریقا کما بیش مشابه سرمایه‌گذاری خارجی کشورهای غربی است. سرمایه‌گذاری چین، مانند کشورهای غربی، عمدتاً به دنبال کسب حداکثر سود و دسترسی به بازار است و به بخش معادن و مواد اولیه تمایل دارد. بیشترین عاملی که سرمایه‌گذاری خارجی چین را از کشورهای غربی متفاوت میکند آن است که چین از سرمایه‌گذاری در کشورهای که در آنها حکومت قانون ضعیف است و محیط کسب و کار ناکارآمد و غیر شفاف است پرهیزی ندارد، مشروط به آنکه دولت حاکم بتواند امنیت سرمایه‌گذاری چین را حفظ کند. در واقع، بخش عمده سرمایه‌گذاری خارجی چین در آفریقا در چارچوب پیمان‌های دولتی است.

سرمایه‌گذاری خارجی چین برای کشورهای آفریقای مرکزی و جنوبی که غالباً گرفتار چرخه باطل فقر و کمبود سرمایه میباشند و دسترسی به سرمایه جهانی برایشان دشوار است، راهگشا بوده است. ارزیابی‌های بانک جهانی در مورد تأثیر سرمایه‌گذاری خارجی چین در آفریقا مویب آن است که سرمایه‌گذاری خارجی چین با تأمین سرمایه و انجام پروژه‌های زیرساختی پایه‌ای نقش مثبت و چشمگیری در توسعه اقتصادی کشورهای آفریقای مرکزی و جنوبی ایفا کرده است. اما مشکلات و ناهنجاری‌های متعددی نیز مشاهده شده است.

بیشتر شرکتهای چینی که در آفریقا سرمایه‌گذاری میکنند موسسات بسیار بزرگ دولتی هستند که از امکانات و قدرت چانه زنی بالایی برخوردارند. در مقابل دولتهای کشورهای آفریقای مرکزی و جنوبی غالباً ضعیف و در عرصه مدیریت و نظارت بر سرمایه‌گذاری‌های خارجی که در کشورشان انجام می‌پذیرد کم تجربه‌اند. این امر کشورهای کم توسعه یافته منطقه را در موقعیت دشواری قرار میدهد زیرا در مذاکرات با شرکتهای بزرگ چینی از توانایی لازم برای کسب قرارداد های عادلانه و مناسب برخوردار نیستند.

افزون بر این، کشورهای آفریقای مرکزی و جنوبی غالباً دارای نظام‌های حقوقی، مالی و اداری قوی نیستند تا بتوانند بر عملکرد شرکتهای چینی نظارت کنند تا اطمینان حاصل کند که شرکتهای سرمایه‌گذار چینی تولیدات خود را به قیمت‌های منصفانه در بازارهای کشورهایشان می‌فروشند (گران فروشی نمی‌کنند)، آن بخشی را که به چین و یا زیر شرکتهای خود در سایر کشورها صادر میکنند ارزان نمی‌فروشند، از پرداخت حق مالکیت و مالیات فرار نمی‌کنند و آنها را کامل و به موقع پرداخت میکنند، از نیروی کار بومی و تولیدات بومی تا حداکثر ممکن استفاده می‌کنند، به نیروی کار بومی دستمزدهای منصفانه می‌پردازند و برای آنها شرایط کاری ایمن و مناسب فراهم می‌آورند، به تولید کنندگان و ارائه دهندگان خدمات در کشور میزبان قیمت‌های منصفانه می‌پردازند، وام‌هایی که به کشور میزبان میدهند منصفانه و مطلوب اند، به محیط زیست کشور میزبان صدمه نمیزنند، تأمین این امور برای دولتهای ضعیف آفریقای مرکزی و جنوبی دشوار است. البته این مشکلات خاص کشورهای آفریقای مرکزی و جنوبی نیست و در مورد غالب کشورهای کم توسعه یافته و برخی از کشورها در حال توسعه نیز صدق میکند. اما برای کشورهای آفریقای مرکزی و جنوبی تحقق این امور به ویژه دشوار است.

آسیا، استرالیا و نیوزلند

نمودار ۷ سرمایه‌گذاری چین در کشورهای عضو انجمن شرق آسیا، استرالیا و نیوزلند را نشان میدهد. سرمایه‌گذاری چین در کشورهای عضو انجمن شرق آسیا با سرعت افزایش یافته است، اما سهم آن در کل ذخایر سرمایه‌گذاری خارجی در این منطقه از اتحادیه اروپا، ژاپن و آمریکا به میزان قابل توجهی کمتر است. در استرالیا و نیوزلند نیز تصویر کما بیش مشابهی مشاهده میشود. نقش چین پر رنگ تر شده، اما سهم آن در کل ذخایر سرمایه‌گذاری خارجی در منطقه همچنان کم است. در استرالیا سهم چین و هنگ کنگ با هم نزدیک به ۶٪ و در نیوزلند نزدیک به ۸٪ است. به لحاظ توزیع بخشی، سرمایه‌گذاری چین در هر دو منطقه نسبتاً متنوع است و انگیزه‌های کسب بازار و دسترسی به مواد اولیه را دنبال میکند.

در این گروه کشورهایمانند استرالیا، نیوزلند و سنگاپور دارای زیر ساخت‌های حقوقی، مالی و اداری پیشرفته هستند و دولت‌های آنها دارای توانایی و تجربه لازم برای نظارت بر عملکرد سرمایه‌گذاری خارجی چین میباشند. از سوی دیگر، این کشورها مانند کشورهای آمریکای شمالی و اتحادیه اروپا هدف سرمایه‌گذاری‌های به اصطلاح تهاجمی چین برای دسترسی به

فناوری پیشرفته و دارایی‌های استراتژیک نیستند. در نتیجه این کشورها در رابطه با سرمایه‌گذاری خارجی برون مرزی چین کمتر گرفتار چالش‌ها و دشواری‌های دو گروه بالا هستند.

اما در بخش آسیایی این گروه کشورهایی قرار دارند که نظارت بر سرمایه‌گذاری خارجی چین برایشان آسان نیست و با همان مشکلات و چالش‌های کشورهای آفریقایی، البته در سطحی کمتر و بسیار ملایم‌تر روبرو هستند. افزون بر این، پاره‌ای از کشورهای این گروه به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک و پیوندهای فرهنگی‌شان برای چین از اهمیت استراتژیک بسیار بالایی برخوردار هستند.

در منطقه آسیا سیاست وام‌دهی دولت چین برای اجرای طرح‌های سرمایه‌گذاری خارجی اش با انتقادهای شدیدی مواجه شده است. برای مثال، دولت سریلانکا نتوانست وامی را که از سرمایه‌گذاران چینی برای ساخت بندر همبان توتا (Hambantota) گرفته بود بپردازد و نهایتاً ناچار شد تا این بندر را برای ۹۹ سال به چین واگذار کند. دولت پاکستان برای ساخت بندر گوادر (Gwadar) بالغ بر ۱۰ میلیارد دلار به دولت چین بدهکار است. بدهی مالدیو به دولت چین ۱.۵ میلیارد دلار است که برابر با ۳۰ درصد کل تولید ناخالص ملی آن می‌باشد. این نمونه‌ها علاوه بر سیاست وام‌دهی دولت چین، درستی گزینش پروژه‌ها، مناسب بودن آنها برای کشورهای میزبان و نحوه ارزیابی اقتصادی آنها را نیز زیر سوال می‌برند.

خاورمیانه و آفریقای شمالی

سرمایه‌گذاری خارجی در منطقه خاورمیانه و آفریقای شمالی بعد از سال ۲۰۰۸ کاهش قابل توجهی را تجربه کرده است. در سال ۲۰۰۷ کل سرمایه‌گذاری خارجی در منطقه خاورمیانه و آفریقای شمالی متجاوز از ۷۸ میلیارد دلار بود. در سال ۲۰۱۷ این رقم به ۲۹ میلیارد دلار کاهش یافته بود (نمودار ۸ را ملاحظه کنید). در این دوره سرمایه‌گذاری چین در منطقه همچنان قوی ماند و اکنون نقش مهمی را در منطقه ایفا می‌کند.

این امر از یکسو مبین اهمیت نفت، گاز، مواد کانی و موقعیت استراتژیک منطقه در استراتژی سرمایه‌گذاری خارجی چین است. از سوی دیگر، بیانگر آمادگی بیشتر چین برای حضور و سرمایه‌گذاری خارجی در مناطق پرتنش است. برای مثال، سرمایه‌گذاری خارجی چین در ایران طی این دوره افزایش چشمگیری را نشان می‌دهد. البته، بیش از یک سوم کل سرمایه‌گذاری چین در منطقه طی این دوره به دو کشور عربستان سعودی و امارات متحده عربی تعلق دارد. به لحاظ توزیع بخشی، می‌بایست توجه داشت که سرمایه‌گذاری خارجی چین در منطقه تنها روی بر روی نفت و گاز متمرکز نیست. علاوه بر نفت، گاز و مواد معدنی، سهم بخش‌های خدمات، ساخت و ساز، حمل و نقل، ارتباطات و تولیدات صنعتی نیز قابل توجه است. در واقع سهم این بخش‌ها به تدریج افزایش یافته و الگوی سرمایه‌گذاری چین در منطقه متنوع‌تر شده است.

اکثر کشورهای این گروه مانند کشورهای آفریقای مرکزی و جنوبی گرفتار چرخه باطل فقر و کمبود سرمایه نیستند. اما زیر ساخت‌های حقوقی، مالی و اداری آنها ناکارآمد است و غالباً از دولت‌های اقتدارگرا و فساد اقتصادی رنج می‌برند. انگیزه اصلی کشورهای این گروه در رابطه با سرمایه‌گذاری خارجی چین عمدتاً استفاده از آن برای اجرای پروژه‌هایی است که روند توسعه اقتصادی آنها را تسریع کند. سرمایه‌گذاری خارجی چین در زمینه‌های متعددی مانند حمل و نقل، ساخت و ساز، ارتباطات، انرژی، پتروشیمی، صنایع کانی، تولیدات صنعتی، خدمات و فناوری کامپیوتری می‌تواند آنها را یاری کند. در این رابطه، چالش‌های عمده کشورهای منطقه را می‌توان در چند مقوله کلی خلاصه کرد: انتخاب پروژه‌های مناسب که دارای توجیه اقتصادی باشند، تامین قرارداد‌های عادلانه برای اجرایی کردن آنها، دریافت حق مالکیت و مالیات از سرمایه‌گذاران چینی، ملزم کردن آنها به بهره‌برداری از نیروی کار و تولیدات بومی، انتقال تکنولوژی و حفاظت از محیط زیست.

آمریکای جنوبی

طی دو دهه گذشته سرمایه‌گذاری خارجی چین در آمریکای جنوبی بیشتر از ۵ برابر شده است، با اینهمه سرمایه‌گذاری چین همچنان از سرمایه‌گذاری ایالات متحده آمریکا در این منطقه بسیار کمتر است (نمودار ۹ را ملاحظه کنید). بخش عمده سرمایه‌گذاری چین در آمریکای جنوبی در دو کشور برزیل و پرو متمرکز است.

از سال ۲۰۱۳ به این سو سرمایه‌گذاری چین در آمریکای جنوبی به لحاظ توزیع بخشی متنوع‌تر شده است، اما بخش بزرگی از آن همچنان در بخش معادن است. طی دوره ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۳ نزدیک به ۶۰ درصد سرمایه‌گذاری چین در آمریکای جنوبی در بخش معادن بود. در دوره ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۶ این سهم به حدود ۴۰ درصد کاهش یافت و به جای آن سهم بخش‌های خدمات و انرژی پاک بالا رفت.

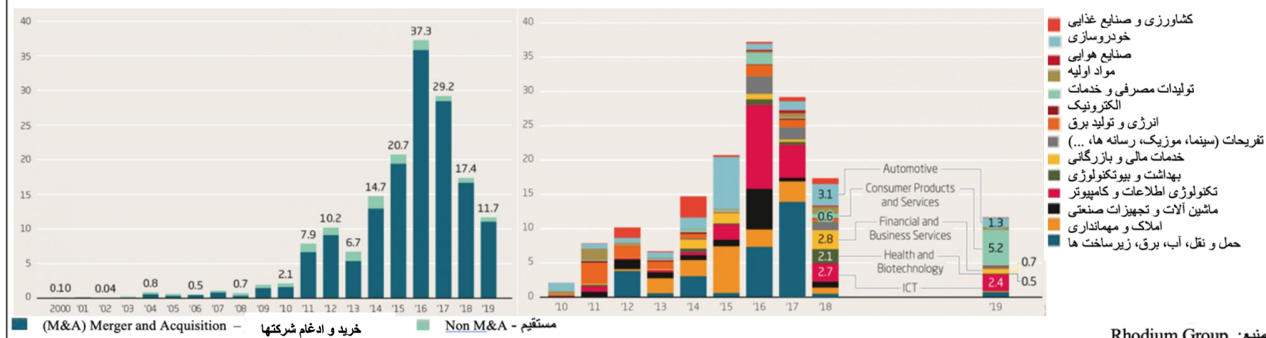
نکته قابل توجه دیگر آن است که ۹۱٪ سرمایه‌گذاری چین در آمریکای جنوبی متعلق به موسسات دولتی بزرگ چین است. سرمایه‌گذاری چین در این منطقه عمدتاً اهداف کسب بازار و دسترسی به مواد کانی و مواد خام را دنبال می‌کند و دولت‌های منطقه در رابطه با مدیریت و نظارت بر سرمایه‌گذاری‌های چین با همان چالش‌هایی روبرو هستند که در بالا به آنها اشاره شد.

طی دهه گذشته سرمایه‌گذاری خارجی برون مرزی چین به سرعت زیادی تقریباً در تمام مناطق افزایش یافته است. علیرغم این افزایش خیره‌کننده، از آنجا که چین در این عرصه هنوز تازه وارد است، سهم آن در کل ذخایر سرمایه‌گذاری جهان هنوز نسبتاً کوچک است. حرف اول را در این زمینه همچنان ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا میزنند. سرمایه‌گذاری خارجی برون مرزی چین انگیزه‌های متداول مانند کسب سود، دسترسی به بازارهای جدید، دسترسی به منابع انرژی و کانی، و دسترسی به فناوری پیشرفته و دارایی‌های استراتژیک را دنبال میکند. در ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا سرمایه‌گذاری خارجی چین علاوه بر کسب بازار بر استراتژی دسترسی به فناوری پیشرفته از طریق سیاست خرید شرکتهای غربی و ادغام با آنها متمرکز است. در کشورهای در حال رشد و کم توسعه یافته استراتژی سرمایه‌گذاری خارجی چین بر محورهای کسب بازار، دسترسی به منابع طبیعی و ساخت یک شبکه ارتباطی برای توسعه صادرات چین استوار است. در دهه گذشته سرمایه‌گذاری خارجی چین متنوع تر شده است و علاوه بر انرژی و معادن، بخش‌های تولیدات صنعتی، خدمات و تکنولوژی کامپیوتر و اطلاعات را نیز به میزان قابل توجهی در بر میگیرد.

سرمایه‌گذاری خارجی برون مرزی چین شدیداً دولتی است. بیشتر شرکتهای چینی که اقدام به سرمایه‌گذاری مستقیم در خارج از چین میکنند، موسسات بسیار بزرگ دولتی هستند. در سالهای اخیر سهم بخش خصوصی در سرمایه‌گذاری خارجی برون مرزی چین بیشتر شده است، اما این شرکتها نیز به اشکال مختلف از پشتیبانی‌های مالی و لجستیک دولت چین استفاده میکنند. سرمایه‌گذاری خارجی برون مرزی چین بخش مهمی از استراتژی توسعه اقتصادی و سیاسی دولت چین است. این ویژگی خاص دولت چین نیست، اما در مورد چین بسیار شدیدتر است.

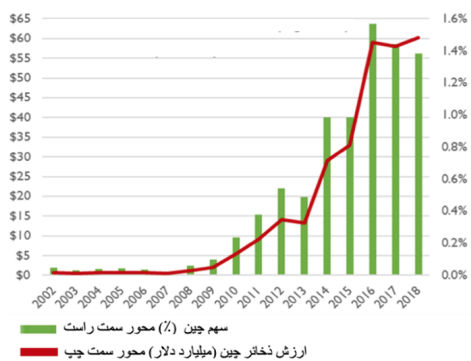
در مجموع، سرمایه‌گذاری خارجی برون مرزی چین توانسته است به توسعه اقتصادی کشورهای میزبان کمک کند، به ویژه در کشورهای کم توسعه یافته که گرفتار چرخه باطل فقر و کمبود سرمایه میباشند. اما رشد سریع این پدیده و خصلت دولتی بودن آن مشکلات و چالش‌های متعددی را نیز بوجود آورده است. کشورهای غربی نگران حفظ حق مالکیت فکری خود، سرقت دانش و فناوری شرکتهای غربی، رقابت ناعادلانه ناشی از حمایت‌های مالی دولت چین و دسترسی یافتن شرکتهای چینی به اطلاعات و صنایع استراتژیک خود هستند. در کشورهای در حال رشد و کم توسعه یافته بهره‌برداری مطلوب از سرمایه‌گذاری خارجی چین مستلزم کسب اطمینان خاطر در مورد توجیه اقتصادی پروژه‌ها، عادلانه بودن قراردادها و وام‌های دریافتی، دریافت حق مالکیت و مالیات از سرمایه‌گذاران چینی، ملزم کردن آنها به بهره‌برداری از نیروی کار و تولیدات بومی، انتقال تکنولوژی و حفاظت از محیط زیست است. تامین این امور برای دولتهای ضعیف در کشورهای کم توسعه یافته که فاقد امکانات و زیرساختهای لازم میباشند بسیار دشوار است، به ویژه هنگامی که طرف مقابل آنها شرکت‌های غول پیکر دولتی باشند که از پشتیبانی‌های مالی و استراتژیک دولت چین برخوردارند. چین از سرمایه‌گذاری در کشورهایی که در آنها حکومت قانون ضعیف است و محیط کسب و کار ناکارآمد و غیر شفاف است پرهیزی ندارد، مشروط به آنکه دولت حاکم بتواند امنیت سرمایه‌گذاری چین را تامین کند. این ویژگی کار را برای کشورهای در حال رشد و کم توسعه یافته دشوارتر می‌کند.

نمودار ۴: سرمایه گذاری خارجی پرومیزی چین در اتحادیه اروپا (میلیارد یورو)



نمودار ۵: ذخائر سرمایه گذاری خارجی پرومیزی چین در آمریکا

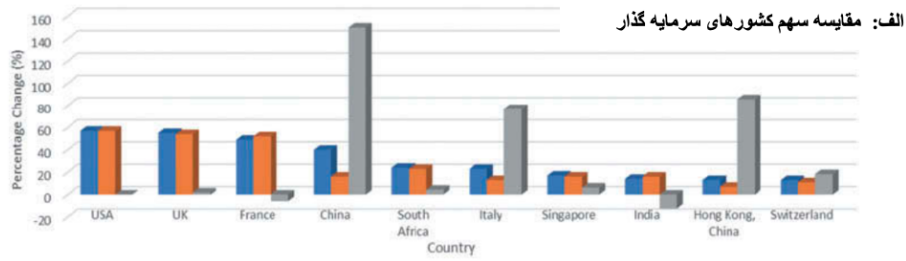
سهام در کل ذخائر سرمایه گذاری خارجی در آمریکا



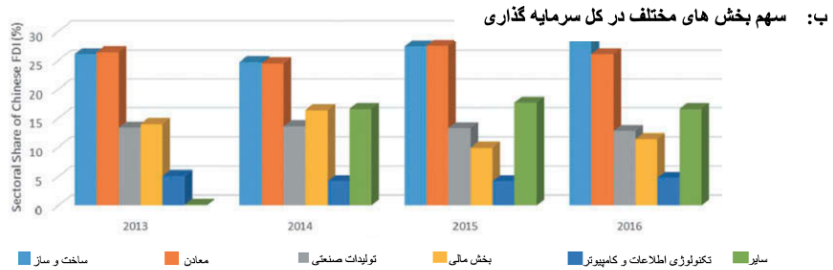
توزیع بخشی سرمایه گذاری خارجی پرومیزی چین در آمریکا ۲۰۱۸ - ۲۰۱۰			
بخش	تعداد معاملات	کل ارزش (میلیارد دلار)	سهم ارزش %
املاک و مهمانداری	۲۲۸	۴۰۵۶۳	۲۸.۹
حمل و نقل و زیر ساختها	۱۰۱	۱۷۰۴۲	۱۲.۱
تکنولوژی اطلاعات و کامپیوتر	۲۴۲	۱۶۸۱۶	۱۲.۰
انرژی	۱۱۴	۱۳۴۰۱	۹.۵
تفریحات (سینما، موزیک، رسانه ها، ...)	۵۴	۹۵۲۰	۶.۸
کشاورزی و مواد غذایی	۳۸	۷۵۷۶	۵.۴
بهداشت و بیوتکنولوژی	۱۴۶	۷۴۵۰	۵.۳
خدمات مالی و بازرگانی	۹۴	۷۱۵۱	۵.۱
تولیدات مصرفی و خدمات	۱۱۹	۶۷۱۸	۴.۸
الکترونیک	۷۱	۵۱۵۶	۳.۷
سایر	۳۶۴	۹۰۹۸	۶.۵
کل	۱۵۷۱	۱۴۰۴۹۱	

منبع: Rhodium Group

نمودار ۶: سرمایه گذاری خارجی چین در آفریقا (به استثنای آفریقای شمالی) ۲۰۱۱ و ۲۰۱۶

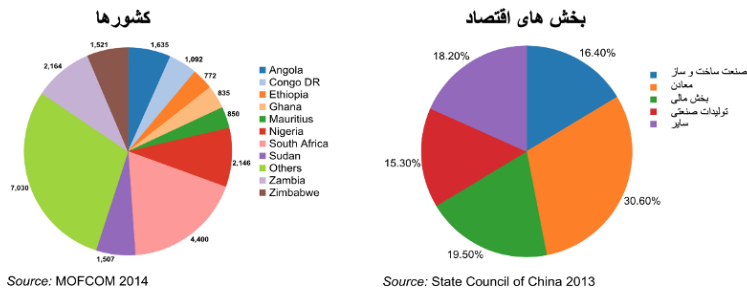


Source: E. Megbowon, C. Mlambo & B. Adekunle (2019) Impact of China's Outward FDI on Sub-Saharan Africa's Industrialization: Evidence from 26 Countries



Source: E. Megbowon, C. Mlambo & B. Adekunle (2019) Impact of China's Outward FDI on Sub-Saharan Africa's Industrialization: Evidence from 26 Countries

ج: مقایسه سرمایه گذاری خارجی چین در کشورهای و بخش های مختلف آفریقا (به استثنای آفریقای شمالی)



نمودار ۷ : سرمایه گذاری خارجی در کشورهای انجمن کشورهای جنوب شرقی آسیا (ASEAN)، استرالیا و نیوزلند

میلیون دلار - %

Country/region ¹⁾	Value			Share to total inflows		
	2013 ²⁾	2014	2015	2013 ²⁾	2014	2015
ASEAN	19,562.2	22,134.5	22,232.2	15.7	17.0	18.4
European Union (EU)	24,511.3	24,989.9	20,127.6	19.6	19.2	16.7
Japan	24,750.2	15,705.4	17,559.4	19.8	12.1	14.5
USA	7,157.2	14,748.5	13,646.0	5.7	11.3	11.3
China	6,426.2	6,990.1	8,256.5	5.1	5.4	6.8
Republic of Korea	4,303.3	5,750.7	5,710.4	3.4	4.4	4.7
Australia	2,587.7	6,281.5	5,246.7	2.1	4.8	4.3
Hong Kong	5,251.2	9,813.2	4,542.9	4.2	7.5	3.8
Taiwan, Province of China	1,381.8	3,253.9	2,807.0	1.1	2.5	2.3
New Zealand	335.9	550.0	2,241.2	0.3	0.4	1.9
Total top ten sources	96,267.1	110,217.7	102,370.0	77.1	84.8	84.7
Others ²⁾	28,597.4	19,777.4	18,448.8	22.9	15.2	15.3
Total FDI inflow to ASEAN	124,864.5	129,995.1	120,818.8	100.0	100.0	100.0

Source: ASEAN Foreign Direct Investment Statistics Database as of 05 October 2016 (Data is compiled from submission of ASEAN Central Banks and National Statistical Offices through the ASEAN Working Group on International Investment Statistics (WGIIS)).

میلیارد دلار و %

Country/region	2016		Country/region	2017	
	Value	Share		Value	Share
ASEAN	25.8	21.0	ASEAN	26.6	19.4
United States	18.8	15.3	Japan	13.2	9.6
Japan	14.1	11.5	China	11.3	8.2
China	11.3	9.2	Netherlands	10.7	7.8
Luxembourg	9.6	7.8	Hong Kong (China)	7.8	5.7
Ireland	9.0	7.3	Ireland	5.8	4.2
United Kingdom	8.7	7.1	United States	5.4	3.9
Hong Kong (China)	8.6	7.0	Korea, Republic of	5.3	3.9
Korea, Republic of	6.5	5.3	United Kingdom	4.0	2.9
Netherlands	4.8	3.9	Germany	2.7	2.0
Total Top 10	117.3	95.5	Total Top 10	92.8	67.8
Other	5.5	4.5	Other	44.2	32.2
Total	122.8	100.0	Total	137.0	100.0

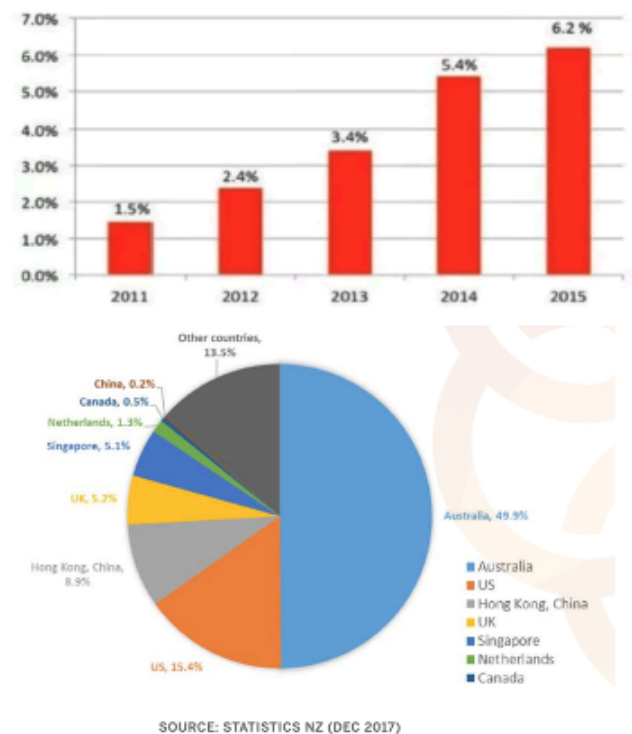
Source: ASEAN Secretariat, ASEAN FDI database.

سرمایه گذاری خارجی چین در نیوزلند، میلیارد دلار

Rank in 2019	Economy	2017	2018	2019	% of total	% change 2018 to 2019	5-year trend % growth
1	United States	912.9	949.2	983.7	25.6	3.6	4.1
2	United Kingdom	498.4	584.0	686.1	17.8	17.5	6.8
3	Belgium	305.1	315.5	348.1	9.1	10.4	9.1
4	Japan	226.5	233.9	241.1	6.3	3.1	4.8
5	Hong Kong (SAR of China)	108.7	122.9	140.7	3.7	14.5	13.1
6	Singapore	87.1	89.8	99.9	2.6	11.2	0.9
7	Netherlands	82.0	84.2	86.7	2.3	3.0	8.2
8	Luxembourg	80.9	77.9	85.5	2.2	9.6	7.9
9	China	64.0	68.2	78.2	2.0	14.6	0.7
10	New Zealand	45.6	47.1	64.4	1.7	36.6	10.0
11	Canada	45.6	53.5	60.7	1.6	13.4	11.2
12	Switzerland	54.1	49.3	56.1	1.5	13.8	0.3
13	Germany	48.5	48.3	49.1	1.3	1.7	4.6
14	Bermuda	45.6	46.6	44.4	1.2	-4.8	2.2
15	France	25.2	49.0	35.8	0.9	-26.9	14.9
16	Republic of Korea	26.8	30.5	31.4	0.8	2.9	8.0
17	Ireland	24.2	22.1	27.9	0.7	26.4	8.5
18	Norway	20.1	19.6	25.3	0.7	28.9	13.6
19	Virgin Islands, British	24.3	24.0	24.1	0.6	0.6	3.3
20	Malaysia	21.6	22.4	22.6	0.6	0.7	1.9
	All economies	3,352.5	3,565.6	3,844.5	100.0	7.8	5.9

Source: <https://www.dft.gov.au/trade/resources/investment-statistics/investstatistics.com/who-invests-in-australia/>

سهم چین در سرمایه گذاری خارجی در نیوزلند

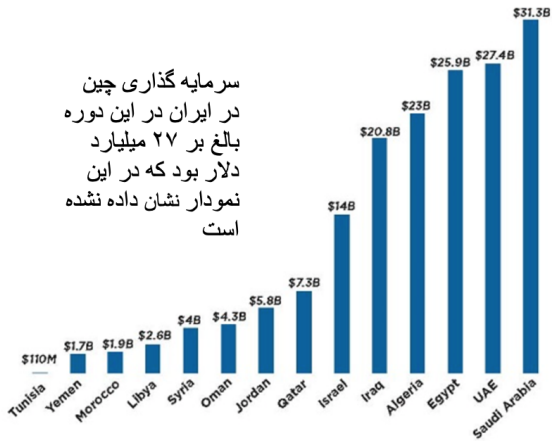


نمودار ۸: سرمایه گذاری خارجی در خاورمیانه و آفریقای شمالی

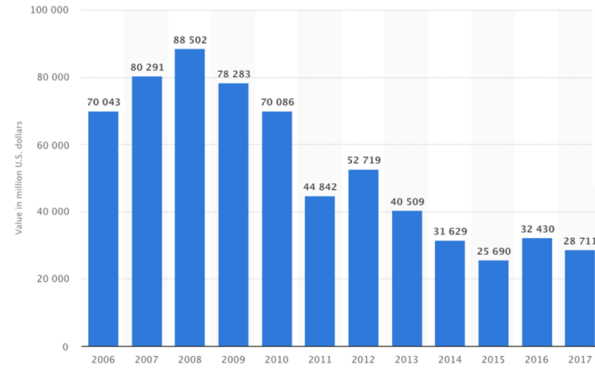
توسط چین طی ۲۰۰۵-۲۰۱۸، میلیارد دلار

کل، میلیون دلار

سرمایه گذاری چین در ایران در این دوره بالغ بر ۲۷ میلیارد دلار بود که در این نمودار نشان داده نشده است



Based on data from <http://www.aei.org/china-global-investment-tracker/>
Missing data for Bahrain, Lebanon, and Palestine



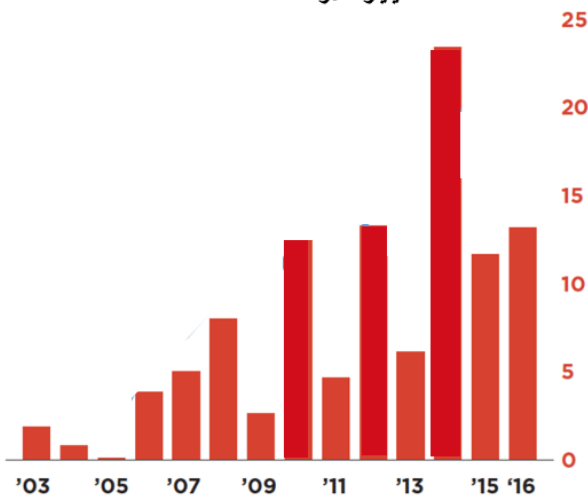
Additional Information

Statista 2020
Show source

نمودار ۹: سرمایه گذاری خارجی چین در آمریکای لاتین

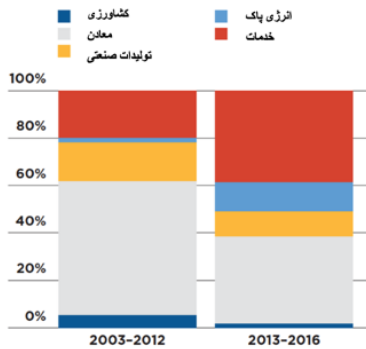
میلیارد دلار ۲۰۰۳-۲۰۱۶

بر اساس کشور



Source: Bureau van Dijk, FDI Markets.

بر اساس بخش اقتصادی



Source: Bureau van Dijk, FDI Markets

COUNTRY	AMOUNT (US\$ BILLIONS)
Brazil	61
Peru	18
Mexico	6
Argentina	5
Bolivia	4
Chile	3
Venezuela	2
Antigua	2
Jamaica	2
Guyana	1
Cuba	1
Colombia	1
Ecuador	0.8
Costa Rica	0.7
Panama	0.6

Source: Bureau van Dijk, FDI Markets

سرمایه گذاری خارجی آمریکا در آمریکای لاتین

(US\$ billions)

Year	US FDI in LAC	% Change	LAC FDI in US	% Change
2000	169.7		18.9	
2001	152.7	-10.0	30.7	62.4
2002	143.9	-5.8	38.1	24.4
2003	142.2	-1.0	45.9	20.5
2004	157.4	10.7	46.8	2.0
2005	169.8	7.9	31.3	-33.1
2006	186.4	9.8	28.5	-9.6
2007	222.1	31.9	19.0	-33.3
2008	224.0	0.9	14.8	-22.1
2009	245.0	9.4	18.7	26.4
2010	267.1	9.0	21.5	15.0
2011	296.0	10.8	27.1	26.1
2012	310.8	5.0	27.0	0.0

Source: US Department of Commerce, Bureau of Economic Analysis.

